

روایت مکان در آثار معماران معاصر از منظر ادبیات تطبیقی فلسفه و معماری با رویکرد پدیدارشناسی (نمونه موردی: موزه هنرهای معاصر تهران)^۱

مرتضی نیک فطرت کردمحلّه

دانشجوی دکتری گروه معماری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

حسین ذبیحی^۲

دانشیار گروه شهرسازی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

آزاده شاهچراغی

دانشیار گروه معماری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۶/۲۳ تاریخ صدور پذیرش: ۱۳۹۸/۰۹/۱۷

چکیده

یکی از تأثیرگذارترین بسترهای پژوهشی که امروزه در حوزه مباحث نظری معماری مطرح است، پدیدارشناسی است که سعی در بازنگری مفهوم مکان و ادراک جسمانی از طریق توجه به جایگاه تجربه زیستی انسان و احیاء معانی مستتر در فضاهای انسان‌ساخت دارد. پدیدارشناسی در معماری، به کیفیت چگونگی تجربه انسان و رابطه میان سوژه بدنمند و فضای پیرامونی‌اش و توانایی او در دریافت داده‌های محیطی توجه دارد. اکنون پرسش این است که خوانش تفکرات فلسفه پدیدارشناسی در جهت تحلیل آثار معماری بر اساس چه مؤلفه‌هایی شکل می‌گیرد و نسبت انسان با فضا در فرایند خلق مکان چگونه است؟ در این راستا فرض بر این است که در مرکز قرار دادن انسان و اهمیت فضای تجربه‌گرا و چند حسی، از اصولی است که انتظار می‌رود در فرایند طراحی و خلق اثر معماری و فهم آن مورد توجه قرار گیرد. با نظر به فرضیه مطرح شده، هدف از این پژوهش بررسی مؤلفه‌های تجربه زیستی مکان‌های خلق شده در رابطه با مواجهه شخصی و ادراکی کاربران به منظور بازتعریف مفهوم مکان در تجربه معماری موزه هنرهای معاصر تهران است. این پژوهش با تکیه بر روش پژوهش کیفی و تحلیلی و تفسیری با زمینه پدیدارشناسی از دیدگاه فلاسفه و معماران و همچنین کاربست روش کدگذاری آزاد، محوری و گزینشی انتخاب شده است. در پژوهش حاضر از مصاحبه عمیق جهت استنباط و استخراج نتایج حاصل ادراک پیشاتاملی، از بطن پاسخ مصاحبه‌شوندگان استفاده شده است. با کشف ابعاد تقریب از طریق خوانش متون به اشتراک گذاشته از روایت مکان میان پدیدارشناسان و معماران و کاربران، می‌توان به مدلی برای ارائه الگوها و مؤلفه‌های کیفی مؤثر بر فضاهای معماری و نقش ادراکات حسی در فرایند فهم مکان و احساس این‌همانی با فضا دست‌یابیم. مؤلفه‌های به‌دست آمده از یافته‌های تحقیق برای فهم پدیدارشناسی موزه هنرهای معاصر شامل: دیالکتیک بیرون و درون، هندسه و مقیاس، استمرار زمان، احساسی از تاریخ، خاطره و تخیل، خیال‌ماده، جزییات معماری، حضور و مواجهه، محیط پیرامون، نور و سایه، ماده و لامسه، حرکت در فضا و فضای زمان می‌باشد که میزان تأثیرگذاری این مؤلفه‌ها را در فرایند خلق مکان می‌توان خوانش کرد.

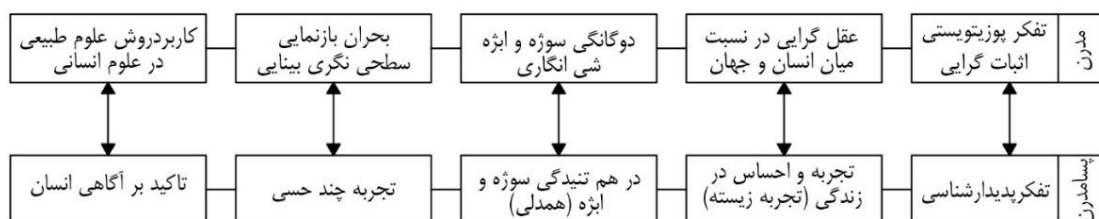
واژگان کلیدی: پدیدارشناسی، تجربه زیسته، موزه هنرهای معاصر، تجربه مکان، ادراک چند حسی

۱- این مقاله برگرفته از پایان‌نامه دکتری تخصصی معماری، مرتضی نیک فطرت با عنوان ((پدیدارشناسی معماری حواس در آثار معاصر ایران، دهه هشتاد شمسی تا کنون)) است که در دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات به راهنمایی جناب آقای دکتر حسین ذبیحی و مشاوره سرکار خانم دکتر آزاده شاهچراغی در حال انجام است.

۲- (نویسنده مسئول) Hosseinzabihi@hotmail.com

مقدمه

در دهه‌های اخیر پدیدارشناسی به صورت یک تعبیر فلسفی، نفوذ قابل توجهی در میان معماران داشته است؛ معماری آن‌چنان با فلسفه پیوند خورده است که بسیاری از فیلسوفان درباره معماری و موضوعات وابسته به معماری از قبیل سکونت و مکان اندیشیده‌اند و بسیاری از معماران از منظری فلسفی آثار خود را بررسی نموده‌اند. پدیده مکان به‌عنوان عرصه سکنی‌گزینی و تحقق بخشی فضای وجودی انسان، اصلی‌ترین منبع هویت ساکنانش می‌باشد و بحران عدم احراز مکانیت به مفهوم عدم توانایی فضاهای زیستی در فراهم آوردن محتوای لازم برای سکنی‌گزینی انسان است. انسان معاصر با پیروی از قواعد مدرنیته و با رویکردی خردگرا بیش از آن‌که معطوف به کیفیت پدیده‌ها باشد تنها متوجه کمیت‌هاست که در نتیجه شاهد بی‌توجهی نسبت به شناخت‌شناسی فضاهای زیستی به‌عنوان ظرف زندگی انسان و وجود نامکان‌ها در عرصه‌های زندگی معاصر هستیم. پیدایش و گسترش تفکر پدیدارشناسی را می‌توان زاده بحرانی دانست که ادموند هوسرل از پیشگامان فلسفه پدیدارشناسی، به آن اشاره کرده است؛ بحرانی که از دو عامل نشاءت می‌گیرد؛ یکی به‌کارگیری روش‌شناسی و روش‌های علوم طبیعی در علوم انسانی است و دیگری ناشی از دوگانگی و ثنویت میان سوژه و ابژه دکارتی است تا انسان و جهان پیش روی او را به دو مقوله مستقل از هم جدا کند. در روش دکارتی، دنیای بیرون دنیایی است که به صورت مستقل از سوژه وجود دارد که صرفاً با قدرت تعقل و فارغ از ادراک حسی می‌تواند به درک حقیقی اشیاء نائل گردد؛ یعنی این دیدگاه این‌گونه فرض می‌کند که جهانی خارج و مستقل از آگاهی انسان وجود دارد. روش پدیدارشناسی به دنبال پژوهش و آگاهی مستقیم نسبت به تجربیات و پدیدارهایی است که بی‌واسطه در تجربه ما ظاهر شده و نه بر اساس ذهنیت صرف عقل‌گرایی و محسوسات علوم تجربی تا از طریق معنا بخشی ارادی پدیدارها، در آگاهی و فهم ما اکتساب شود. تغییر بنیادین در تعریف سوژه و ابژه و اولویت بودن انسان در بینش دکارتی منجر به نادیده گرفتن غنا و پیچیدگی اندیشه نمادین و جوهر معنایی پدیدارها گردید. (پورمند، ۱۳۹۲: ۱۷) از این‌رو پدیدارشناسی پرسش‌ها درباره امور واقع عینی را کنار نهاد و به جای آن پیشنهاد نمود که برای پاسخ، به تجربه بشری درونی خودمان نظر افکنیم و با گذار از متن به معنا و به بیانی دیگر از تجربه عینی به تجربه استعلایی، نگاهی به آگاهی و حقیقت یک پدیدار دارد. با ارائه الگوهای معماری مبتنی بر مفاهیم پدیدارشناسانه می‌توان به بررسی کیفی فضاهای معماری معاصر و نقش ادراکات حسی در فرایند فهم مکان و احساس این‌همانی با فضا از منظر آراء و اندیشه‌های پدیدارشناسان حوزه معماری پرداخت.

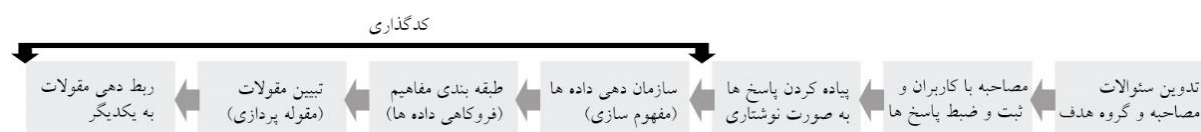


نمودار ۱: مقایسه تفکر خردگرایانه در برابر تفکر پدیدارشناسی

منبع: یافته‌های پژوهش

فرضیه‌های پژوهش

فرضیه‌های پژوهش بر این اصول استوار است که پدیدارشناسی معماری که به نگرستن به معماری از درون تجربه آگاهانه و جایگاه حضور وجودی انسان در جهان اهمیت ویژه‌ای می‌دهد، می‌تواند از طریق دریافت‌های حسی و تبدیل آن در فرایندهای پردازش ذهنی و بازنمایی، تجربه وجودی و حس بودن در جهان را تقویت می‌کند و در نهایت منجر به تجربه‌های معناگرایانه غنی به واسطه مواجهه با مکان و خلق اتمسفرهای غنی می‌گردد؛ خوانشی که به دنبال دریافت کیفی ناشی از حضور آدمی در فضا، دریافت‌های حسی و بدنمندی، تجربه او از فضا، خیال‌پردازی‌ها و تخیل او، پیش ذهنیت‌ها و پیش فرض‌های او و حتی افسانه‌ها و اسطوره‌های ذهنی و ایجاد محیطی معنادار به کمک اطلاعات ذهنی انسان است.



نمودار ۲: روش کیفی استخراج معانی موزه هنرهای معاصر از طریق مصاحبه‌ها

منبع: یافته‌های پژوهش

مواد و روش

این تحقیق به لحاظ ماهیت پژوهش از گونه تحقیقات کیفی با رویکرد فلسفی پدیدارشناسی هرمنوتیک و به لحاظ قصد از پژوهش، تفسیری (بررسی ادبیات تطبیقی فلسفه و معماری) است. استفاده از رویکرد پدیدارشناسی هرمنوتیک از این رو اهمیت دارد که شناخت پدیده‌ها منوط به تجربه شخصی محقق نمی‌باشد و نتایج پژوهش به واسطه تجارب ویژه افراد و گروه‌ها در نمونه مورد بررسی، استفاده شده است (پرتوی، ۱۳۸۶: ۱۹۳) و تمامی فهم‌ها از پدیده‌های فرهنگی سیال، گذرا و تاریخ‌مند هستند و درک نهایی و غیرقابل تفسیر مجددی از متن وجود ندارد؛ بدین معنا فهم متن، عملی پایان‌ناپذیر است. (نوروزی برازجانی و جوادی، ۱۳۹۵) در این پژوهش از مصاحبه عمیق جهت استنباط و استخراج ناخودآگاه از بطن پاسخ مصاحبه‌شوندگان استفاده می‌شود. لذا مصاحبه به صورت نیمه ساخت یافته یا تا حدی برنامه‌ریزی شده است که نه از پیش تعیین شده باشد و نه آزاد. (همان، ۲۳۹) در تحلیل داده‌ها با توجه به این که در تحقیق کیفی حجم وسیعی از اطلاعات مورد نیاز است، از روش کدگذاری باز، محوری و انتخابی استفاده شده است. (گروت و وانگ، ۱۳۸۶: ۱۹۳) برای یافتن پاسخ سؤال‌های پژوهش، بیست نفر از بازدیدکنندگان موزه هنرهای معاصر به عنوان نمونه پژوهش برای مصاحبه انتخاب شدند؛ و در ادامه، مصاحبه‌ها پیاده‌سازی شد و مورد تحلیل محتوای کیفی قرار گرفت. سعی بر آن بوده است تا تئوریهای استفاده شده با ارجاع به ویژگی‌های معنادار در کالبد موزه به گونه‌ای ملموس و کاربردی مطرح شود.

مروری بر ادبیات موضوع و پیشینه فلسفی پژوهش

با توجه به پراکندگی دیدگاه‌های فیلسوفان قرن بیستم در ارتباط با موضوع پدیدارشناسی، بسیاری از صاحب‌نظران معتقدند که نمی‌توان تعریف واحدی را از پدیدارشناسی ارائه نمود. (Moran & Mooney, 2002, Merleau) (Ponty, 1962, Spiegelberg, 1982, Seamon, 2005). پدیدارشناسی برای فلاسفه و در رأس آنان، ادموند هوسرل به

دنبال روشی است برای شرح موقعیت بی‌واسطه و مستقیم چیزها و محیط؛ طریقی که با آن بتوان به درکی بدون پیش‌فرض و بدون پیش‌داوری امید بست و از دام پیش‌انگاشت‌های علمی، مذهبی، متافیزیکی و روانشناسی گریخت. (Moran 2002:45) درموت موران هدف اصلی پدیدارشناسی را تلاشی برای رسیدن به حالتی از آشکارگی می‌داند که در آن پدیده‌های مورد مطالعه درک می‌شوند و به شیوه‌ای دقیق و جامع تعریف می‌شوند و هیچ‌گونه پیش‌نظریه و دیدگاه‌های از پیش تعیین‌شده، خللی بر فرایند درک آن وارد نمی‌کند. (Moran 2005:18) از دیدگاه ون منن، محقق در روش تحقیق پدیدارشناسی، پدیدارشناسان این حالت آشکارگی پدیده‌ها را به سمت ایجاد توضیحاتی پیرامون تجربه واقعی بشر یا همان تجربه زیسته هدایت می‌کند. تجربه زیسته حاکی از توجه به بازشکافی مستقیم ابعاد کامل و روزمره و ساحت وجودی انسان است. (Van manen 2014:33) از دیدگاه دیوید اسمیت، پدیدارشناسی به‌وسیله ساختارهای آگاهی از منظر سوژکتیو تجربه می‌شود و دلالت بر عینیات یا رویدادها، ابزارها، جریان زمان، خود و دیگران آن‌چنان‌که در زیست معاصر ما سر برمی‌آورند و تجربه می‌شود، دارد. (اسمیت، ۱۳۹۳: ۱۴) دیوید سیمون با تأسی از نظرات ون منن و موران، پدیدارشناسی را روشی برای فهمیدن می‌داند که بر توصیف و تفسیر ابعاد تجربه انسانی، آگاهی و معنا و به‌خصوص فهم ناخودآگاه تأکید دارد. (Seamon 2002:5)

بررسی مولفه‌های کیفی فهم تجربه معماری در موزه هنرهای معاصر (پدیدارشناسی مکان(فلسفه و معماری)	ادبیات تحقیق	
	گام اول: بستر نظری موضوع	گام دوم: کدگذاری مولفه‌های فهم تجربه معماری
	شناخت مفهوم مکان	کدگذاری باز
	شناخت مولفه‌های ادراک مکان	کدگذاری محوری
گام سوم: جمع‌بندی ادبیات تحقیق	گام چهارم: آزمون چارچوب نظری	
	تبیین چارچوب نظری در زمینه بهبود کیفی تجربه مکان	بررسی راهکارهای ارائه شده در نمونه مورد مطالعه موزه هنرهای معاصر با انجام مصاحبه با کاربران

نمودار ۳. ساختار کلی پژوهش

منبع: یافته‌های پژوهش

- ردپای پدیدارشناسی به نظریات مرتبط با مکان:

رویکردهای پدیدارشناسانه به معماری ریشه در نقد کلاسیک هوسرلی، بر فرمالیسم منطقی و سنجش ریاضیاتی (ابزاری شدن ریاضیات) دارد. پدیدارشناسی معماری بر آن است در نتیجه‌ی رجوع هنری و تکنولوژیک به زیست‌جهان که هوسرل به‌عنوان پادزهر فلسفی نیهیلیسم و علم‌گرایی مدرنیته‌ی متأخر تجویز کرده بود به نبرد این تقلیل‌گرایی برخیزد. (Casy 1997:25) بنابراین بیشتر مطالعاتی که به رابطه انسان و مکان می‌پردازد ریشه در پدیدارشناسی دارد. (رلف، باشلار، سیمون) چراکه این روش دریافت عمیق‌تری از موضوعات پیچیده در اختیار قرار می‌دهد و راه را برای دریافت حقیقت مکان می‌گشاید. فارغ از این‌که پدیدارشناسی بازگشتی به خود چیزها بدانیم (هوسرل) یا یک روش یا شیوه دیدن (هایدگر) یا چونان گوهر ادراک (مرلوپونتی)، همواره منبع الهام و تکیه‌گاهی

برای پدیدارشناسان معماری بوده است. همان‌طور که موران خاطر نشان می‌کرد که پدیدارشناسی بیشتر نوعی طرز کار یا کنش است تا یک سیستم. به خاطر همین موضوع مورد توجه معماران قرار گرفته است. جدول یک به بررسی مفهوم پدیدارشناسی مکان از دیدگاه صاحب‌نظران می‌پردازد. تمرکز بر رویکرد پدیدارشناسانه بر این است که معماری چگونه می‌تواند ذهن را از تجربیات معنادار آگاه کند؛ معنایی که در زندگی انسان پدیدار می‌شوند. پدیدارشناسی، امکان بهبود دیدگاه‌ها و نگرش‌های معماران را فراهم می‌آورد و افقی جدید فراروی آن‌ها باز می‌کند. این نظام معنایی با اضافه نمودن وجود به زمان و مکان به دست می‌آید و شناسایی این نظام معنایی نیز از همین راه حاصل می‌شود؛ یعنی یک شناخت مضاف به زمان و مکان یا تجربه زیسته. پدیدارشناسی به جهان آن‌چنان‌که به‌وسیله یک فرد زیسته می‌شود، نه جهان یا واقعیتی که چیزی جدای از انسان باشد، توجه دارد. انسان که موجودی در زیست جهان است برخوردار از روایی انسان با جهان، تماس مستقیم انسان با هستی و به عبارتی نحوه زیست انسان در جهان، خود را در نحوه ساخت و شکل‌دهی چهره محیطی که در آن زندگی می‌کند بروز می‌دهد. در جدول شماره یک، دیدگاه‌هایی تعدادی از صاحب‌نظران در حوزه پدیدارشناسی مکان درج شده است و در جدول شماره دو تعدادی از پژوهش‌های انجام‌یافته پیرامون پدیدارشناسی معماری و نتایج آن منعکس شده است.

یوفوتوان	مکان دوستی یا حس تعلق به مکان و پیوندی زیباشناختی، حسی و یا عاطفی میان انسان و مکان	(یوفوتوان، ۱۳۹۶)
ادوارد رلف	مقام ژرف تر مکان برای هستی و تجربه بشری، چیزی غیر ملموس چون جان، حس، روح مکان	(رلف، ۱۳۸۹)
رابرت دیوید ساک	نیروها (شامل طبیعت، معنا و ارتباط اجتماعی)، چشم اندازه‌ها، مکان و نفس و تنظیم روابط پیچیده و پویایی میان آن‌ها	(ایتگ، ۱۳۹۴)
دیوید سیمون	بالمکان، مفهوم پدیدارشناختی مکان به صورت یکپارچه به بدن زیسته، سوژه بدن و تجسد محیطی ارتباط دارد	(سیمون، ۲۰۰۲)
کریستوفر الکساندر	زبان الگو، مکان‌ها (شهرها، خیابان‌ها ساختمان‌ها و ...) را به عنوان منظومه‌ای از تناسبات به هم پیوسته	(الکساندر، ۱۳۹۵)
نوربرگ شولتز	ایده روح مکان دارای پدیده‌ای کیفی که نمی‌توان آن را به هیچ یک از ویژگی‌هایش از جمله مناسبات فضایی تقلیل داد.	(شولتز، ۱۳۸۷)
جوزف ریکورت	به لزوم بازگشت و تفکر مجدد بر نقش اصلی معماری در مکان‌سازی، منتقد رویکردهای کمی در معماری	(ایتگ، ۱۳۹۴)
پروین پرتوی	مکان، فضای زیسته، جایی که سکنی گزینی را تجلی می‌بخشد و از هویت آکنده است.	(پرتوی، ۱۳۸۸)
کنت فرامپتون	نظریه منطقه‌گرایی انتقادی، رابطه بستر با طبیعت	(شار، ۱۳۹۷)
کریس ابل	آمیزش میان بومی و جهانی بودن در فرایند توصیف مکان	(ابل، ۱۳۸۷)
میشل دوسرتو	مفهوم مکان به مانند روند روزمره تجربه فضایی و مکان دارای نظمی که عناصرش با هم پیوند هم زیست‌انه‌ای دارند	(ایتگ، ۱۳۹۴)

جدول ۱: مفهوم پدیدارشناسی مکان از منظر اندیشمندان

منبع: یافته‌های پژوهش

تحلیل تطبیقی ادبیات فلسفه پدیدارشناسی در معماری

- خوانش هوسرلی پدیدارشناسی در معماری (پدیدارشناسی شناخت‌شناسانه):

سؤال اصلی پدیدارشناسی هوسرل این است که جهان اطراف و اشیاء برای من چه معنایی می‌دهند و این معانی چگونه در آگاهی من شکل می‌گیرد. (مصطفوی، ۱۳۹۴: ۴۸) آنچه درباره هوسرل می‌توان گفت فعالیت او در ارتباط با نقش محوری معنا در تجربه است که تبیین مفصلی از تجربه آگاهانه ما نسبت به اشیاء جهان پیرامون را بازگو می‌کند و پدیدارشناسی را دانشی در ارتباط با شناخت حقیقت می‌داند که محتوای آگاهی را تشکیل می‌دهد؛ آگاهی نابی که هوسرل در جستجوی آن بود صرفاً تصویری ذهنی از یک چیز موجود در جهان نیست، بلکه برآمده از ادراکی است که صرف نظر از وجود یا عدم

معمار/نظریه پرداز/فیلسوف	عنوان کتاب	نتایج پژوهش
گاستون باشلار فیلسوف	بوطیقا فضا	تعریفی نوین از مکان مبتنی بر پدیدارشناسی خیال/ احساسات آنی/ باورداشت های برخاسته از همدلی و خیالیابی/ پدیدارشناسی تکنیکی/ تصور ماده در شعر/ قدرت تجربه در ماده در تقابل با فرم/ چند آوایی ادراکات حسی/ اسکونت به مثابه مامن رویاپردازی/ اشارت به شهود اصلی امور و ایده ها
کریستین نوربرگ شولتز معمار و نظریه پرداز	حس مکان	مادی کردن فضای هستی شناختی از طریق ساخت مکان/ درک معنایی نیاز بنیادین انسان/ کیفیت گرای در برابر کمیت گرای مدرن/ پدیدارشناسی به مثابه روشی جهت نفوذ در وجود جهان روزمره/ هستی، مصداق حضور انسان در مکان/ معماری به مثابه بخشی از زیست جهان/ مسئولیت معمار، کشف روح مکان
استیون هال معمار و نظریه پرداز	پارالاکس	تن، ابزار اتصال به جهان/ حرکت مخاطب در فضا و ایجاد بعد زمان که منجر به سیالیت فضایی می شود/ وحدت سوژه و ابژه/ نفی پرسپکتیو و ایجاد زاویه دیدهای متنوع/ توجه به درون و قابلیت های آن/ شکست سطوح افقی/ تقریب بین آگاهی و ادراک ناشی از حضور انسان در مکان
کنت فرامپتون معمار و نظریه پرداز	به سوی منطقه گرایی انتقادی (مقاله)	کامل ساختن تجربه هنجاری بصری به واسطه بازگشت دوباره به طیف لامسه ای ادراکات انسانی/ ارجاع معمار به پویتیک های برآمده از ساخت و پراساختن ارزش های تکنونیک عناصر ساختمان/ ظرفیت بدن برای خوانش محیط/ کشتن لامسه ای مکان-فرم/ استراتژی فرهنگی به موضوع مکان
یوهانی یالاسما معمار و نظریه پرداز	چشمان پوست	نگرش ژرف به پدیدارها که ما را به گوهر چیزها نزدیک کند/ معماری چند حسی/ نگاه عمیق معماری از طریق تجربه آگاهی/ مرکزیت تن در ادراک محیط و حرکت مندی سوژه/ نقد بصرمحوری با ابداع بازنمایی بصری(پرسپکتیو)/ نظام دیداری، نمونه ای از سرشت نامتجسد عامل ذهنی دکارتی (جدایی سوژه از ابژه)
پیتروموتور معمار	معماری متفکر اتمسفرها	تاکید بر تجربه زیسته/ شهود ذوات هوسرلی از طریق توجه کردن به قوانین ذاتی اجزای تشکیل دهنده ساختمان/ روح مکان(بناهایی که در گذر زمان با فرم و تاریخ آن مکان رشد می کنند)/ شاعرانگی مکان از طریق اجزای مصالح در متن یک شی معماریه/ بازگشت به اشیاء(هیچ ایده ای جز در درون خود چیزها نیست)
گرنوت بومه فیلسوف	زیبایی شناختی اتمسفر	استتیک(زیبایی شناختی حسیک) مکان/ اتمسفر مکان/ فضای حضوری جسمانی به مثابه یک تجربه پدیدار شناسانه/ جسمانیت حس کننده و نه ناظر/ تجربه ما از مکان مبتنی بر باشندگی جسمانی ما/ حوزه های حضور/ توری جامع از ادراک حسی
دیوید موریس نظریه پرداز	حس فضا	مکان، محیطی است که با معنا همراه است و شخصیت انسان مجسم از بعد ادراکی، احساسی و بیانی است حس مکان منجر به یگانگی بدن و فضا می شود.
دیوید سیمون جغرافیدان و نظریه پرداز	پدیدارشناسی مکان، محیط و معماری	فرد و جهان دو جزء جدانشدنی/ زیست جهان/ مکان به مثابه ساختار هستی شناسانه مرکزی بنیان گر و شکل دهنده تجارب انسانی/ جسم محوری، عاملی تاثیرگذار در ایجاد مراکز برای خود و اشیاء/ ریشه دار بودن مکان در خانه/ سکنی گزیدن به معنای لذت بردن، محافظت کردن و توجه و مراقبت از مکان.
امیس رایاپورت معمار و نظریه پرداز	منی، محیط ساخته شده، پروتکتوری در ارتباط غیرکلامی	فرد و جهان دو جزء جدانشدنی/ زیست جهان/ مکان به مثابه ساختار هستی شناسانه مرکزی بنیان گر و شکل دهنده تجارب انسانی/ جسم محوری، عاملی تاثیرگذار در ایجاد مراکز برای خود و اشیاء/ ریشه دار بودن مکان در خانه/ سکنی گزیدن به معنای لذت بردن، محافظت کردن و توجه و مراقبت از مکان.
کارستن هریس فیلسوف	عملکرد اخلاقی معماری	بازگردانی حس معنادهی به معماری بعد از بحران مدرن/ تمرکز بنیادین بر تجربه و کاربرد آن/ قابلیت تزیینات مکان به مثابه یک بعد شاعرانه/ انتقاد از جنبه زیباگرایی در معماری/ هنر، فراتر از زیبایی و در خدمت نیازهای کارکردی مکان برای انسان
هرمان اشمیتز فیلسوف	اتمسفر	اتمسفر مکان/ پدیدارشناسی نوین/ تمرکز بنیادین بر تجربه و کاربرد آن/ اتمسفر به مثابه غضای بدون سطح/ توجه به حواس/ انرژی های دریافتی از محیط توسط تن ها/ اتمسفر به مثابه کیفیت ابژه یک محیط و حال انسان
آلبرتو پرزگومز تاریخ دان معماری	تاملات پهنگام	زیر سؤال رفتن درک معنایی حقیقی مکان در معماری مبتنی بر تولید تصاویر بصری/ تجربه معنادار در گرو درهم تنیدگی مکان و زمان زیسته فارغ از نگاه مفهومی و شی انگارانچه معماری/ تجربه مکان به مثابه یک دید روایی نسبت به زندگی و یک قرارداد اجتماعی/ مکان به مثابه کورای افلاطونی و داعیه صبرورت شدن

جدول شماره ۲: پژوهش‌های انجام شده پیرامون موضوع پدیدارشناسی معماری

منبع: یافته‌های پژوهش

وجود جهان در تجربه‌ای ذهنی مشهود گردد. (پورعلی، ۱۳۹۰: ۲۲) بر اساس رویکرد شناخت‌شناسانه، تجزیه و تحلیل‌های توصیفی از پدیدار از طریق فرایندهای ذهنی آغاز می‌شود؛ بنابراین آنچه هوسرل می‌پذیرفت، شهود یا ادراک مستقیم بود؛ شهودی استوار بر مشاهده‌ای یا تجربه‌ای دقیق و در گام بعدی کارش، شرح و پژوهش آن شهود بود. (احمدی، ۱۳۸۷: ۵۶۲) پدیدارشناسی شناخت‌شناسانه هوسرل غالباً نظرگاهی انسانی به موضوع دارد و به دنبال چیستی مکان یا تجربه زیسته مکان (حس مکان) است که از طریق آن فرایند معنا دهی به شیء در آگاهی قوام پیدا می‌کند و نمود آن در معماری به معنای تعلیق پیش‌فرض‌های فرهنگی، اجتماعی و... برای دستیابی به تجربه

بی‌واسطه از جهان پیرامونی است تا با نگاهی شهودی به پدیدارها در درون آگاهی‌مان، تنها آنچه را که در اختیار آگاهی است را توصیف کنیم. لذا رویکرد شناخت‌شناسانه هوسرل که بازگشت به اشیاء را مدنظر دارد در معماری با حذف واسطه‌هایی نظیر ویژگی‌های سبکی مؤلف اثر، شرایط تولید و ساخت و مواردی از این دست، منجر به تصورات ذهنی و آگاهی ناب از اثر معماری می‌گردد. برای مثال به‌منظور طراحی یک‌خانه، توجه به مسائلی همچون مفاهیم زیست‌جهانی که منجر به رشد انسان در آن می‌شود و تجربه زیستی که از طریق احساسات درونی، رؤیاهای آرزوها و... به‌جای پرداختن به موجودیت بیرونی، ساختارهای آگاهی انسان را از طریق یادآوری‌های بی‌واسطه و ناب موردتوجه قرار می‌دهد که هوسرل آن را شرط لازم برای بازگشت به خود چیزها می‌داند. کریستین نوربرگ شولتز، معمار و نظریه‌پرداز نروژی، با بهره‌گیری از اندیشه‌های هوسرل به پدیدارشناسی همچون روشی می‌نگرد که بازگشت به چیزها (تحویل پدیدارشناختی) را در تقابل با «انتزاع‌ها و ساختارهای ذهنی» ضروری ساخته و ایده‌ی «روح مکان» را مطرح می‌سازد که قادر است با خلق مکان‌های ویژه، محیط را معنادار سازد. (نسبیت، ۱۳۸۷: ۱۲۲)

شولتز به این موضوع اشاره می‌کند که انسان‌ها همواره و پیوسته در محاصره حجم خیره‌کننده‌ای از اشیاء پیرامون خود قرار گرفته‌اند و آن را به موضوع زیست‌جهان هوسرل ارجاع می‌دهد؛ زیست‌جهان را می‌توان به‌عنوان جهان تجربه روزمره، جهان انضمامی و جهانی که سوژه‌های دیگر در آن به سر می‌برند تعریف کرد. (سیاوشی، ۱۳۹۵: ۳۴)

– خوانش‌هایدگری پدیدارشناسی در معماری (پدیدارشناسی هستی‌شناسانه-زیست‌جهان)

مهم‌ترین تفاوت هوسرل و هایدگر در این است که هایدگر، پدیدارشناسی دازاین به معنای هستنده انسانی را باهدف دست یافتن به فهمی از معنای وجود، جایگزین پدیدارشناسی آگاهی هوسرل نموده است. (مصطفوی، ۱۳۹۴: ۱۴) لذا پدیدارشناسی مدنظر هایدگر در مورد ساختارهای آگاهی از دیدگاه تجربه انسانی می‌باشد. نقطه آغاز هایدگر در این رویکرد، توجه به مکان بود. او با نقد جمله کلیدی دکارت (من می‌اندیشم پس هستم)) تأکید را به‌جای اندیشیدن بر هستن قرار می‌دهد. هستن چیزی است که تجربه می‌شود. (صافیان، ۱۳۹۴: ۱۹)

قیاس‌پذیری پدیدارشناسی ادموند هوسرل و مارتین هایدگر:

– پدیدارشناسی هوسرل، بازگشت به خود چیزها و توجه به ماهیت اشیاء دارد درحالی‌که در پدیدارشناسی هایدگر شناخت تجربه زیسته انسان اهمیت دارد.

– هوسرل جهان بیرون را نسبت به آگاهی فرد، داخل پراتنز قرار می‌داد درحالی‌که از دیدگاه هایدگر ما موجوداتی – در-جهان هستیم. (پرایس، ۱۳۹۱: ۱۶۵)

– هایدگر برای خروج از حیطة سوبژکتیویسم هوسرلی کوشید تا با رجوع به زمان و تاریخ، معنای وجود را گسترش دهد.

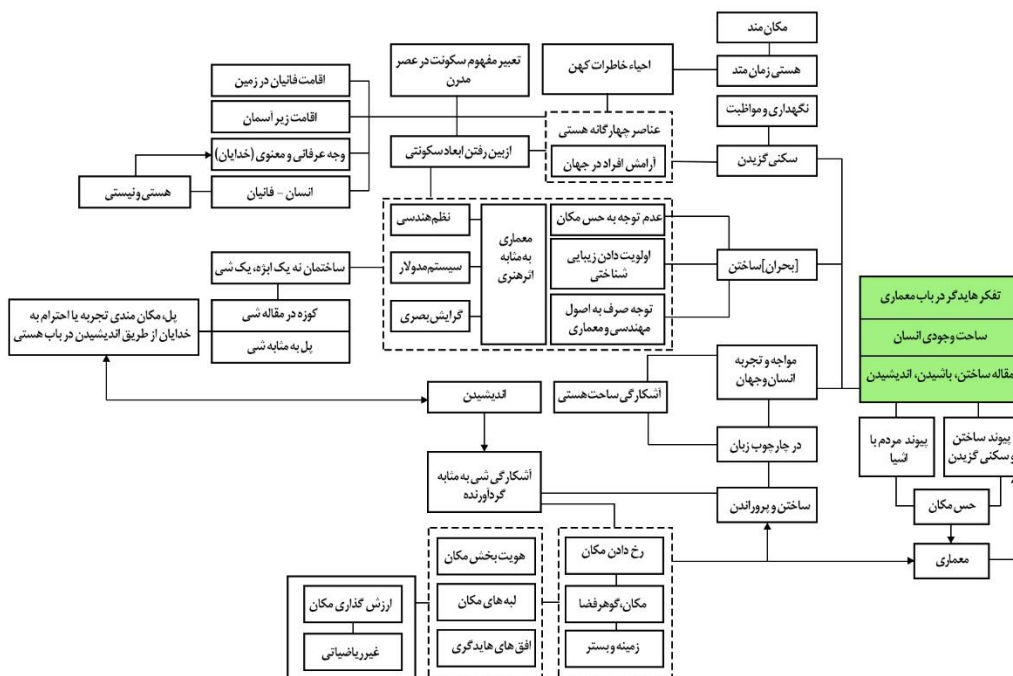
پدیدارشناسی هوسرل را پدیدارشناسی استعلایی و جریان شناخت‌شناسانه و پدیدارشناسی هایدگر را هرمنوتیک، اگزیستانسیالیسم و هستی‌شناسانه نامیده‌اند. هایدگر موافق این موضوع بود که هستی – انسان – در-جهان همیشه برابر است با هستی – انسان – در-یک مکان که از آن به سکنی گزیدن نام می‌برد ((Sharr 2007, Mugerauer 2008)

و با استفاده از روش خاص خود یعنی پدیدارشناسی هرمنوتیک، وجود آدمی را وجودی مکانمند معرفی می‌کند به این ترتیب که اگر مکان را از او بگیریم چنان است که وجودش را از او گرفته‌ایم. (صافیان، ۱۳۹۲: ۶۸) هایدگر با تأکید بیشتر بر مقوله زمانمندی و مکانمندی معتقد است که وقتی قرار است که بنایی را تفسیر کنیم، این تفسیر بر اساس پیش فهم‌هایی است که نسبت به آثار معماری داریم. (پرتوی، ۵۴، ۱۳۸۸) در نمودار شماره شش مولفه‌های مبتنی بر هستی‌شناسی بنیادین هایدگر درج شده است. این مدل طراحی گونه‌ای از زمینه‌گرایی است که معتقد است مردم می‌بایست آن را در معماری تجربه کنند و شناخت عناصر پیرامونی، چشم‌انداز، منظر، بافت مصالح و مواردی این‌چنینی را مورد تأکید قرار می‌دهد و انسان را موجودی در کنار چیزهای دیگر می‌داند. سه مقاله کلیدی هایدگر که مرتبط با معماری هستند شامل: چیز (۱۹۵۰)، ساختن سکنی گزیدن اندیشیدن (۱۹۵۱) و انسان شاعرانه می‌زید (۱۹۵۱) می‌باشند.



نمودار ۴: مقایسه اجمالی پدیدارشناسی هایدگر و هوسرل

منبع: یافته‌های پژوهش



نمودار ۵: تفکرات هایدگر در مقاله ساختن، سکنی‌گزیدن اندیشیدن منبع: یافته‌های پژوهش

از دیدگاه هایدگر، بنا کردن بیش از آن‌که در بند هندسه و ریاضیات باشد در گرو ماهیت مکان و خاستگاه ماهیت مکان است. مقاله ساختن، سکنی‌گزیدن اندیشیدن، حول دو سؤال: سکنی‌گزیدن به چه معناست و چگونه ساختن به

سکنی گزیدن وابسته می‌باشد؟ ساختن و سکنی گزیدن‌هایدگری را نوعی پاک‌سازی مکان و یا نشانه‌گذاری موقعیت‌ها برای خاطرات انسانی می‌داند. از دیدگاه او این فعالیت‌ها به‌واسطه اتصال و پیوند مردم با اشیاء موجود در مکان و تلاششان برای ساختن حس مکان باهم مرتبط هستند. (شار، ۱۳۹۷، ۹۸) کیت نسبیت، نظریه‌پرداز معماری، شولتز را به‌عنوان اصلی‌ترین طرفدار پدیدارشناسی معماری-مادی کردن فضای هستی‌شناختی از طریق ساخت مکان-معرفی می‌کند. فهم شولتز از معماری، ریشه در تفکرهایدگر در باب هستی، جهان، حقیقت دارد. با نگاهی به مقدمه کتاب روح مکان نوشته شولتز (شولتز، ۱۳، ۱۳۸۸) می‌توان دریافت که وی درصدد ارائه‌ی فهمی پدیدارشناسانه از معماری است و اصطلاحات‌هایدگری مانند گردهم آوردن، باشیدن، در جهان زیستن، چگونه مبنای درک و شرح ویژه وی از معماری قرار گرفته است. نوربرگ شولتز در کتاب معماری، حضور، زبان و مکان (شولتز، ۱۸، ۱۳۸۷) به‌نقد معماری مدرن پرداخته و بیان می‌کند که یکی از دلایل احتمالی برای شکست مدرنیسم، تأکید بر ملاحظات بصری می‌باشد که از آن به بنیادهای دیداری نام می‌برد که در آن، جایگاه انسان از عامل مشارکت‌دهنده یا هدف، به ناظری صرف تبدیل می‌شود. خاصیت معماری این است که جایی را تبدیل به مکان‌های معنادار می‌کند و این به معنی بالفعل درآوردن محتوای بالقوه محیط و احیاء شور درونی انسان‌ها برای یافتن مستقری در جهان متغیر است. همین‌جا می‌توان از اشتراک معنی خاطره‌انگیزی فضا-مکان در اندیشه غالب معماران اشاره کرد که برای ساختن و سکنی گزیدن از مفاهیم خاطره و خیال نیز بهره می‌جویند؛ به‌عنوان‌مثال فهم پدیدارشناختی‌هایدگر از یک پنجره در یک ساختمان بر طبق دیدگاه هستی‌شناختی او دیگر خطوط انتزاعی در نمای ساختمان نیست بلکه واصل میان درون و بیرون ساختمان است جریان باطنی معماری، جریان جست‌وجوی انسان برای تحقق پایگاه وجودی و آشکار کردن معناها از طریق معماری است. شولتز با استناد به فلسفه‌هایدگر معتقد است که معنا نیاز بنیادی انسان است و انسان چیزی نیست جز معانی که در دسترس اوست. از دیدگاه شولتز، سخن گفتن درباره معنا در معماری درواقع جستن هر چیزی ورای ظاهر معماری و درواقع جستن معناست. (چراغی، ۱۳۹۶: ۸) ادوارد رلف در کتاب مکان و بی‌مکانی (۱۹۷۶) در باب مکان‌های روزمره که مفهوم ژرف‌تری از مکان را به آدمی نشان می‌دهند، نوشت؛ او استدلال کرد که فضا بی‌شکل است درحالی‌که مکان لبریز از احساسات است. رلف با بسط اندیشه‌های‌هایدگر می‌خواست از ایده ساده انگارانه مکان به‌مثابه یک موقعیت صرف، دوری گزیند و از مقام ژرف‌تر مکان برای هستی و تجربه بشری بحث کند. او هویت مکان را چیزی غیرملموس چون جان، حس، روح مکان می‌خواند که به طبیعت یا شخصیت مکانی ویژه و منحصربه‌فرد اشاره دارد. (ایننگ، ۱۳۹۴: ۲۷) پیترزومتور، معمار سوئیسی یک حس مشترک عرفانی‌هایدگری را از طریق کیفیات اسطوره‌ای برای لحظات مختلف در مجموعه آبگرم والس به اشتراک گذاشته است. مشابه با اندیشه‌های‌هایدگر، زومتور آرزو داشت که عادات و رسوم قدیمی را که گواهی بی‌درنگ و ناخودآگاه از اهمیت تجربه و خاطره بودند بر داده‌های آماری و ریاضیاتی ترجیح داده می‌شوند. به نظر می‌رسد که از دیدگاه زومتور مجموعه آبگرم والس از طریق قرار دادن آیین‌های سکنی‌گزینی در مکان که مرتبط با اصطلاحات‌هایدگری هستند با مقاصد طراحی او در انطباق کامل هستند؛ از طریق نمایش رقصان نقش سنگ‌های دیوار، توده حجم، نور و مصالح و سطوح تا انسان را برای هویت بخشی به مکان از طریق آیین‌های حمام و در ارتباط با احیاء خاطراتشان تهییج و تشویق نماید. رویکرد تادائو آندو معمار ژاپنی نیز به مکان و فضای معماری، آنجا

که مکان را شالوده و گوهر فضا می‌شمارد، بسیار به اندیشه‌های هایدگر نزدیک است. آندوبا تاکید بر روح مکان، تأسیس مکان را نتیجه گوش فرادادن به خواست زمین، کشمکش و تعامل با سایت و ایجاد چشم‌انداز و قلمروی بسته و منسجم می‌داند. (آندو، ۱۳۹۵: ۷). ماریو بوتو با تبعیت از هایدگر ایده اصلی محافظت کردن به‌عنوان بخشی از معماری را مطرح می‌کند که در آن خانه در ضمیر ناخودآگاه ما به‌عنوان پناهگاه باقی می‌ماند. لویس باراخان، معمار مکزیکی به دنبال جاذبه‌ای ناخودآگاه در مفهوم معماری بود که این جاذبه نوعی دعوت به سکنی‌گزیدن در اشیاء به‌منظور درک و فهم اعجاز وجودی‌شان را به دنبال دارد. (مروجی، ۱۳۸۵: ۸۲)

۳-۵ خوانش پدیدارشناسی ادراکات حسی مرلوپوتی در معماری (معماری حواس در تجربه بدنمند):

مرلوپوتی، فیلسوف اگزیستانسیالیست و پدیدارشناس فرانسوی که منتقد تفکر انسان‌محوری دکارتی است، در تلاش بود تا روش جدیدی در توصیف تجربه انسان در جهان ارائه کند. تجربه‌هایی که مبتنی بر وجود جسمی است که خود فاعل شناسا باشد و مدعی است که جسم پیش‌تر در ساحتی مقدم بر آگاهی، خود فاعل شناسا است (کاپلستون، ۱۳۸۷: ۴۷۵) و ادراکات حسی به‌مثابه ابزاری شناختی وضوح می‌یابند. ادراک از منظر او با فیزیک و جسمانیت سوژه ارتباطی تنگاتنگ دارد و در این راستا اصلی‌ترین ابزار برای ادراک و همچنین کاتالیزور بین سوژه و ابژه، بدن است. نظریات وی، مبتنی بر مشارکت همه‌ی حواس در فرآیند ادراک و مرکزیت تن در دریافت محیط می‌باشد و درک رابطه‌ی بین انسان و جهان از طریق جایگزینی آن، به‌جای انفصال دکارتی بین عین و ذهن (تجسد و در بدن بودگی) است. از دیدگاه او، حواس در مرحله‌ی ادراک، انضمامی و تمایز ناپذیر هستند و ما با شبکه‌ای پیچیده از حواس روبرو هستیم.

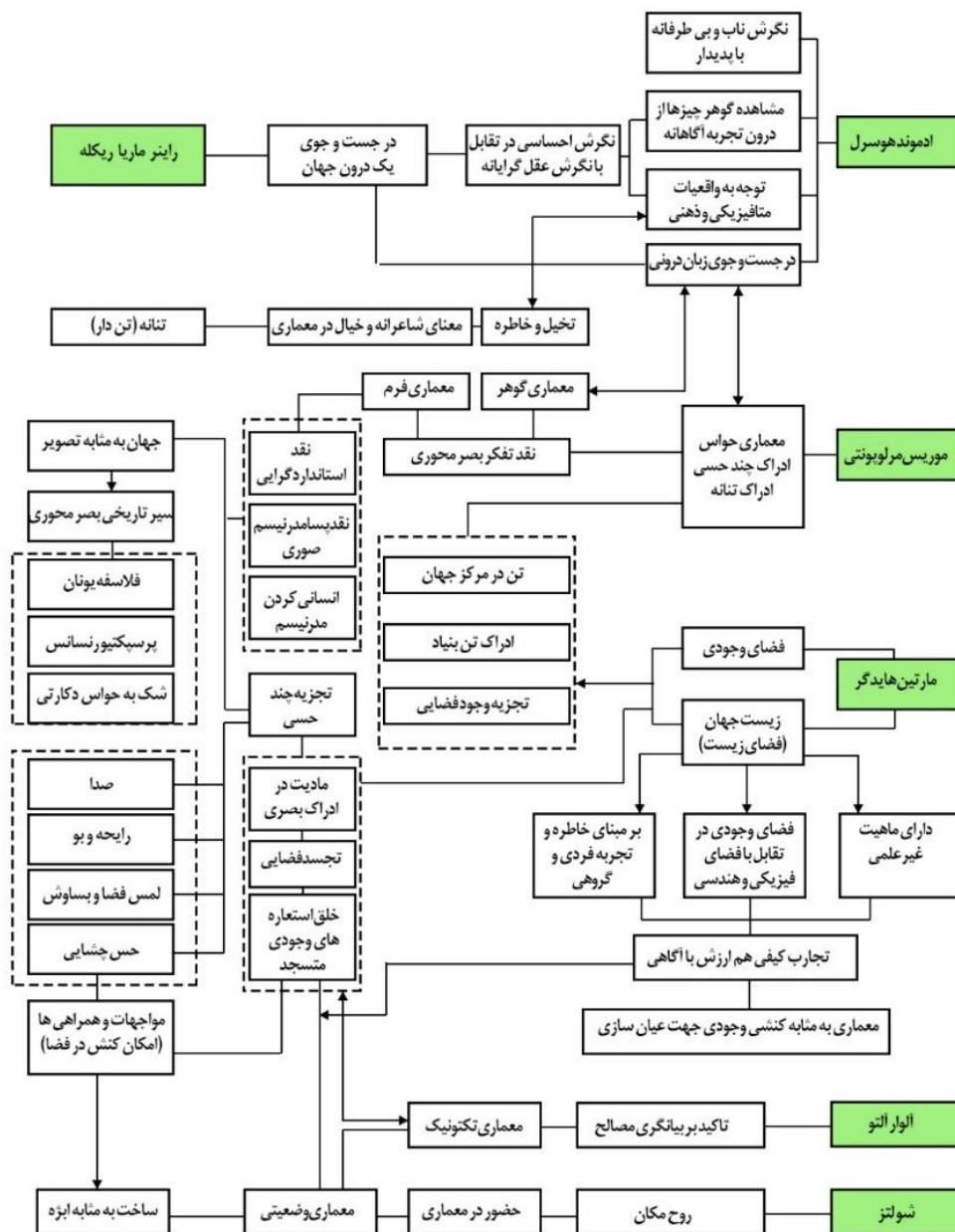
مرلوپوتی، اساس مفاهیم پدیدارشناسانه‌ی خود را بر تبیین تجسم تنانه (مبتنی بر تن)، بنا می‌کند و آن را رویکرد بهتری بر فهم ماهیت ذهن می‌داند و تن یافتگی سوژه برای وی اهمیت دارد. (بصیری، ۱۳۹۲: ۴۸) بر اساس این دیدگاه، صمیمیت یک تجربه معمارانه به توانایی معماری در توجه هم‌زمان به ذهن و بدن بستگی دارد و کشف ویژگی‌های یک فضای مبتنی بر استلزامات حسی، فرد را قادر به کسی تجربه رضایت‌بخش‌تری خواهد نمود. (Vonderbink 2007:1) هاینریش وولفلین (استاد زیگفرید گیدئون) اولویت را برقرار دادن تأکید بدنی در ساختمان‌های تاریخ، چونان راه‌حلی برای توصیف تاریخ معماری به کاربرد. خورخه اوترو پایلوس تاریخ‌نگار معماری، پدیدارشناسی را مستلزم یک بازاندیشی ژرف در سنت و از طریق تغییر دادن آن به اهمیت تجربه انسانی می‌داند که بسیار گسترده‌تر از واکنش‌های بدنی است. (Pilos 2012:87) دیوید سیمون جغرافیدان پدیدارشناس با تمرکز بر گوهر تجربه و رفتار محیطی، در توصیف مکان از روش پدیدارشناسانه بر اهمیت حرکات جسمانی در یک مکان و رفتارهای محیطی تأکید دارد. او از استعاره رقص برای وصف زنجیره‌ای از حرکت پیش آگاهانه که آن‌ها را باله تن (Body-Ballet) می‌نامد، مدد می‌جوید. (Seamon 2013:2) از دیدگاه او مفهوم پدیدار شناختی مکان با الهام از اندیشه‌های مرلوپوتی به‌صورت یکپارچه به بدن زیسته، سوژه بدن و تجسد محیطی ارتباط دارد که می‌تواند به‌صورت هر مکان محیطی که تجارب، اعمال و مفاهیم انسانی را به‌صورت زمانمند و فضامند به هم پیوند می‌دهد. آلبرتو پروزگومز (گومز، ۱۳۹۷: ۴۵) نظریه‌پرداز معماری، کارکرد اساسی معماری در طول تاریخ را فراهم کردن

صحنه‌ای برای ارتباط فرهنگی می‌داند که این ارتباط به لحاظ فکری و عاطفی دارای یک آگاهی متجسد و بدنمند است که مکان‌هایی را آشکار می‌کند که در هم پیوندی با کنش‌های انسانی می‌باشد.

پدیدارشناسی در معماری از دیدگاه پالاسما، معمار و نظریه پرداز فنلاندی، نگاهی عمیق به معماری از طریق آگاهی‌ای است که آن را تجربه می‌کند و به دنبال زبان درونی بنا است. (پالاسما، ۱۳۹۳: ۵۵) پالاسما به‌عنوان یکی از مخالفان پست‌مدرنیسم خواهان مدرنیسم دوم و یا معماری موقعیتی، احساسی، واقعی و دربرگیرنده حساسیت‌های منطقه‌ای بود که این ویژگی را می‌توان در آثار معماری باراخان، آلوار آلتو، آلواروسیزا، مشاهده کرد. (مالگریو، ۱۳۹۴: ۱۶۰)

یوهانی پالاسما، بصر محوری افراطی فرهنگی غربی و گرایش بی‌چون و چرایی که برای بینایی، مزیت شناختی قائل است را مورد انتقاد قرار داده است. به عقیده پالاسما، نظام دیدن که با پرسپکتیو دیداری شکل مشخصی به خود گرفت، نمونه‌ای از سرشت نامتجسد عامل ذهنی دکارتی است که ذهن را از بدن، فاعل را از مفعول و من را از تو جدا کرد. (گالزه، ۱۳۹۶: ۱۷۵) تلقی وی از مشارکت همه‌ی حواس در فرآیند ادراک، مرکزیت تن در دریافت محیط و نقش حرکت مندی در آن برگرفته از تفکر مرلوپونتی در فرآیند ادراک جهان است. استیون‌هال بیشتر از دیگران تحت تأثیر اندیشه‌های موریس مرلوپونتی بود. در معماری استیون‌هال می‌توان تقریب بین آگاهی و ادراک ناشی از حضور انسان در بناهای وی در ارتباط با بدن را فهمید که سهم حضور بدن مخاطب در فرآیند آفرینش کالبد، فضا و پدیداری مکان مورد توجه قرار گرفته است. بدن خاستگاه معماری او محسوب می‌شود. معماری بدنمند مبتنی بر ادراکات چند حسی ما را به درون معماری می‌برد و به جزئیات حساس می‌کند و خواستار تماس و توجه است و به‌عنوان یکی از راه‌های پیوند دوباره انسان و محیط در دیدگاه پدیدارشناسانه معرفی می‌شود. روایت مکان در آثار استیون‌هال با محوریت حرکت بدن، منجر به درهم تنیدگی حاصل از روی هم رفتگی پرسپکتیوها می‌شود که با فضاهایی که عناصر ارتباطی میان ما و معماری هستند، تشکیل شده است. در نمودار ۶ وجوه پدیدارشناختی پالاسما به‌واسطه افراد تأثیرگذار بر اندیشه‌های او درج شده است. استیون‌هال در کتاب پارالاکس فهم پدیدارشناسانه از فضا را مورد تأکید قرار می‌دهد و حرکت و سوژه تن دار (توانمندی زیسته تن در حرکت آگاهانه) را از ابزارهایی برای اندازه‌گیری فضای معماری می‌داند (ابراهیمی، ۱۳۹۶: ۶۸) که در آن ادراک فضایی بدن یک کیفیت اساسی و ضروری و یک‌درهم تنیدگی میان بدن و جهان است که مرلوپونتی آن را تحت عنوان (درگیر بودن و اتصال بدن در جهان خویشتن) تعبیر می‌کند که توسط ادراک به دست می‌آید. (هال، ۱۳۹۴: ۴۵) پارالاکس می‌تواند به‌عنوان تعریف فضایی جدید که متکی به حرکت بدن در فضاست، تصور شود که منجر به سیالیت فضایی می‌گردد. او با تغییر مفهوم سنتی پرسپکتیو، ادراک فضایی را در گروه شکستن پرسپکتیو و ایجاد حرکت در ابعاد عمودی و مورب (از طریق طراحی آتریوم، رامپ و...) و به تعبیری اضافه کردن بعد زمان به فضا می‌داند. حرکتی که در صورت نبود آن در فضا، تنها حس بینایی مخاطب را با فضا درگیر می‌کند. پیترزومتور با تأکید بر معماری ادراکات چند حسی مرلوپونتی بر جنبه‌های احساسی تجربه معمارانه تأکید دارد. از دیدگاه او خواص فیزیکی مصالح می‌تواند شخص را با جهان درگیر کند و تجربیات و افق‌های بافت مند مکان می‌تواند از طریق خاطره احضار کند. مجموعه آب‌درمانی والس بازخوانی تفکراتی است که در ارتباط با حضور همه حواس انسانی در معماری تنظیم شده است. شکل سیال و دراماتیک بخارآب و جوشش حباب‌های موجود در داخل آب به‌وسیله نورهای طبیعی و مصنوعی اغواگرایانه به نظر

می‌رسند و با وجود تیرگی فضای داخل بر شدت این نورها افزوده می‌شود. سنجش بدن و ذهن (چه از طریق شهود و درک و سنجشی که برای‌هایدگر از طریق حس سازی، منجر به ایجاد جرقه‌های بینش می‌گردد) تبدیل به یک روش طراحی برای زوم‌تور گردیده است که به او در تصور مکان‌های آینده از طریق فراخوانی و به خاطر آوردن احساسات کمک می‌کند.



نمودار ۶: وجوه پدیدار شناختی یوهانی پالاسما منبع: یافته‌های پژوهش

- بسط باشلاری اندیشه‌های پدیدارشناسانه در معماری (پدیدارشناسی خانه، خاطره و خیال)

باشلار نظریات پدیدارشناسانه خود را در کتاب بو طبقای فضا بیان می‌کند توصیف پدیدارشناسی وی مبتنی بر تخیل است. وی با بهره‌گیری از صورت خیال، تعریفی تازه از مکان را ارائه می‌کند و مسئله‌ی سکونت را با تحلیل

چگونگی استقرار صورت‌های خیال در روان‌شناسی تبیین می‌کند. وی زندگی بدون اشیا را فاقد الگوی صمیمیت می‌داند و قفسه‌های کمد، کسوه‌های میز و گنجه‌های گود، واقعیت زندگی رمزآلود و روان‌شناسانه از دیدگاه او هستند. (باشلار، ۱۳۹۲: ۵۶) زندگی برای باشلار یعنی مجموعه‌ای از ادراکات حسی، خاطره‌ها، تخیل، رؤیا، آرزو و احساسات درونی که این اشارات به شهود اصلی امور و ایده‌ها که هوسرل آن را شرط لازم برای بازگشت به خود چیزها می‌دانست، برمی‌گردد. (پورعلی، ۱۳۹۰: ۲۳) از دیدگاه پالاسما، قدرت معماری در توانایی آن برای تقویت تجربه واقعی و ابعاد تخیلی آن است تا از دل این احساس تقویت‌شده و با حساس شده، برخیزد؛ تجربه‌ای ژرف از فضا و زمان (پالاسما، ۱۳۹۲: ۵۰) اندیشه‌های باشلار و تأکید وی بر «تخیل» و «خاطره» و «خانه»، حضوری مستقیم در تفکر پالاسما دارند. در نگاهی کلی، پدیدارشناسی پالاسما را می‌توان بسط باشلاری اندیشه‌های مرلوپونتی دانست. (شیرازی، ۱۳۹۲: ۸۷) یوفوتوان به‌جای حس مکان از واژه مکان دوستی یا حس تعلق به مکان استفاده می‌کند و آن را پیوندی زیباشناختی با مکان تأکید می‌کرد، (یوفوتوان، ۱۳۹۶: ۱۸) تادائو آندو با ارجاع به باشلار، معماری را نوعی ساختار شاعرانه می‌داند. نگاه آندو به نور، شاعرانه است و حضور نور ژرفای تاریکی را می‌شکافد و فضا را باظرافت تراش می‌دهد. (آندو، ۱۳۹۵: ۱۵) همین دیدگاه را می‌توان در آثار لویس باراخان معمار مکزیکی نیز جستجو کرد که در تلاش بود تا با رویکردی شاعرانه به معماری منظر، آرامش و زیبایی ناب و کودکانه‌ای را به تصویر کشد. شهرت او در مهارت خاصش در استفاده از نور و رنگ و آب بود. در جدول شماره ۳ رویکرد پدیدارشناسانه معماران معاصر به اختصار درج شده است.

معرفی و بررسی نمونه موردی

این پژوهش می‌کوشد بر اساس برداشت‌های ذهنی و تفاسیر کاربران در تجربه معماری، به درک و شناخت نظام معنایی افزون برساخت هستی‌شناختی مکان و زمان، آشکارگی معنای زندگی در تجربه معماری زیستی را از طریق توجه به ادراک و تلفات ذهنی انسان، به مؤلفه‌های قابل‌تعمیم بسط دهد. موزه هنرهای معاصر به دلیل ویژگی به منحصربه‌فردش و جایگاه مهم آن در میان مردم حائز چنین ویژگی‌هایی است. این موزه در منطقه ۶ تهران و در ضلع غربی پارک لاله در جوار خیابان کارگر شمالی واقع شده است. این بنا که توسط کامران دیبا طراحی شده است تلفیقی از معماری مدرن و سنتی است. علاقه دیبا به وجوه اجتماعی معماری و یا به تعبیر او معماری انسانی و احترام به سنت‌های بومی و الگوی ساختاری و همچنین نیاز جامعه شهری مدرن به چنین فضاهایی می‌باشد. عدم تصرف محیط برای ایجاد مکان و درآمیختگی آثار او با محیط اطراف و درعین‌حال بهره‌گیری از الگوهای معماری ایرانی به شیوه‌ای اصیل (بادگیر، هشتی، چهارسو، معبر و گذرگاه) از ویژگی‌های معماری این موزه می‌باشد. معماری منهای انسان، منهای درک و فهم، چیزی نیست جز فضایی اشغال‌شده در مرزهای خود. از این رو کنجکاوی پدیدارشناختی نگارندگان و ادراک در فرایند فهم و ادراک محیط در قالب کدهایی عرضه می‌شود که از دل پاسخ کاربران و مصاحبه‌شوندگان بیرون کشیده شده است (صیاد و دیگران، ۱۳۹۸: ۷۶) تا تجربه فهم معماری به معنا بدل شود و این معنای برساخته را در خاطرات خود ثبت کند. تجربه زیسته به سخن درآمده مصاحبه‌شوندگان، بیش از آن‌که نشان‌دهنده چگونگی ادراک آن‌ها از فضایی باشد که با آن در ارتباط‌اند می‌تواند نشان‌دهنده رگه‌هایی کلی از حیات اجتماعی آن‌ها در بستری کلان باشد. مصاحبه‌ها با ۲۰ نفر از بازدیدکنندگان موزه انجام گرفت و پس از رسیدن به

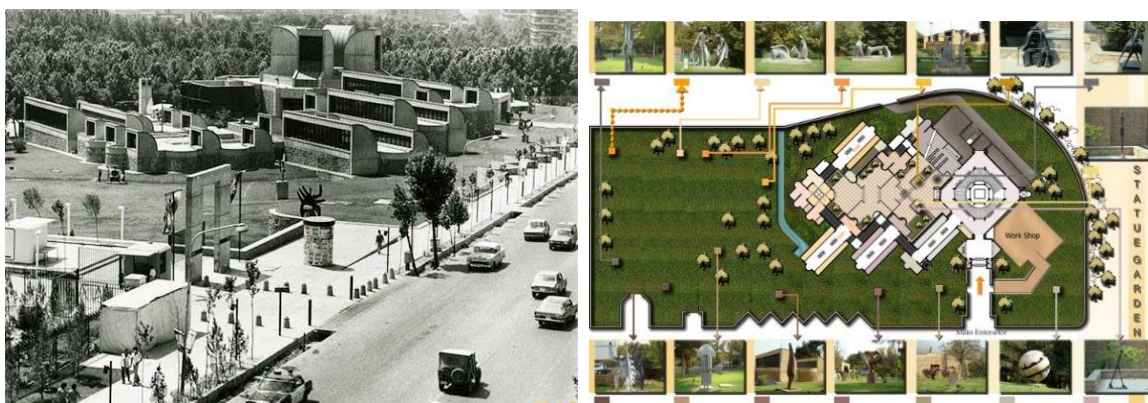
اشباع نظری برای تحلیل داده‌ها از شیوه تحلیل مضمون موسوم در پدیدارشناسی هرمنوتیک استفاده شد و بر اساس کدهای گزینشی انجام پذیرفت.

نام معمار	خصوصیات معماری یادیدگاه	پروژه	رویکرد پدیدارشناسانه
پیترزومرور ۱۹۴۳-...	ساختن بر اساس احساسات انسانی، توجه به مادیت مصالح، خلق اتمسفر تجربه بدنمانند، معماری حواس، عدم اولویت به فرم و مفاهیم انتزاعی	آب درماتی والس موزه کلمبیا	پدیدارشناسی ادراکات حسی
یوهانی یالاسما ۱۹۳۳-...	معماری وضعیت، بازشاعرانه کردن اقامتگاه انسانی، معماری حواس، خیال متجسد، نگرش ناب به پدیدارها، نقد بصر محوری معماری مدرن	مرکز کابینی انستیتو فنلاند در پاریس	تداوم باشلاری اندیشه های مرلوپونتی
استیون هال ۱۹۴۷-...	تاکید بر پتانسیل های تجربی معماری، درک یکانگی عمیق هر مکان، نور و سایه، معماری حواس، سوزن تن دار،	کلیسای سن ایگنا توس موزه کیاسما	پدیدارشناسی ادراک مرلوپونتی
لویی کان ۱۹۷۴-۱۹۰۱	معماری سکوت، نور، ایجاد فضاهای چند لایه، بازی سایه ها، گفتگو با بستر، سلسله مراتب زمانی و مکانی	موزه هنر تیمبل مجلس ملی پنکلاش	اندیشه های هایداگر
آلدو وان ایک ۱۹۹۹-۱۹۱۸	بازتاب سرچشمه های اصیل، درگیر کردن احساس مخاطب با کشف و ارتباط گذشته و حال، توجه به فضای مابین، تشدید تجربه های معماری	بنیم خانه امستردام مدرسه ابتدایی در هلند	اندیشه های هایداگر
هانس شارون ۱۹۷۲-۱۸۹۳	تاکید بر معماری بساوی و عضلانی، فرم های اکسپرسیونیستی تجربه بدنمانند	تالار فیلاز مونیخ برلین	اندیشه های هایداگر
کتگورکوما ۱۹۴۷-...	بازتعریف مصالح در فرایند حس مکان، تفسیری مدرن از معماری ژاپن، فضا سازی های شفاف، هم نشینی پوسته سنت و محتوای مدرن	موزه هنر فولکور کافی شاپ ساتارکس	پدیدارشناسی ادراکات حسی
لوتیس باراخان ۱۹۸۸-۱۹۰۳	معماری شاعرانه، بازی اب و نور و گیاه، افسون، باغ، آرامش، مواجهه، شگفتی، توجه به اتمسفر فضا در در گفتگو با بستر	خانه شخصی معمار خانه کرسی تویل	پدیدارشناسی ادراکات حسی
تادائو آندو ۱۹۶۱-...	شاعرانگی مکان، گفتگوی مکان با سایت و چشم انداز، درک گوهر مکان، مکان به مثابه شالوده فضا، برانگیختگی حس فیزیکی	معبد آب کلیسای نور	باشلار، هایداگر
آوارو سیزا ۱۹۳۳-...	تلاش برای خلق لحظه های قدرتمند در معماری، ویژگی های ظریف و منحصر بفرد، تبدیل مکان به فرم های مجسمه گون	موزه اینره چایخانه بونوا	باشلار، هایداگر
فرانک لوید رایت ۱۹۵۹-۱۸۶۷	گفتگوی مکان با سایت، توجه به مادیت مصالح، معماری ارکستر (موزون) معماری لامسه، اتمسفر فضا، معنای دو گانه پناهگاه، چشم انداز	خانه آشپز استودیو تالیسین	ادراکات حسی
دی سوتومورا ۱۹۵۰-...	تلفیق طبیعت و معماری، ترکیب سنت های مدرن با روح مکان، اختلاط خصوصیت های متناقض نظیر خشونت، لطافت، قدرت فروتنی	استاد بومبراکا موزه پائولا	پدیدارشناسی حس مکان (زمینه گرایی)
راسم بلران ۱۹۴۵-...	گفتگوی مستمر مابین نیازهای معاصر و ارزش های فرهنگی به یادگار مانده از تاریخ، احیاء سرگذشت مکان	ساختنمان های متعدد در کشورهای عربی	پدیدارشناسی حس مکان (زمینه گرایی)
ریما پیتلا ۱۹۹۳-۱۹۳۳	تجسد معمارانه، معماری عضلانی، گفتگو با سایت، معماری هاپتیک (لامسه)، گفتگوی مکان با تاریخ، معماری تکنونیک	کلیسای کالوا مجتمع مسکونی فنلاند	ادراکات حسی
گلن مورکات ۱۹۳۳-...	لمس نرم زمین، معماری حواس، بیشش معماری و تعهد، اقلیم و منظر به عنوان سازندگان اصلی فضا و فرم	مسجد در استرالیا خانه سیسمون	پدیدارشناسی حس مکان (زمینه گرایی)
ریکی جوی ۱۹۵۸-...	گفتگوی ساختمان با چشم انداز و فرهنگ مصالح بومی، تجربه مکان، حضور ذهن، صداقت روح، اصالت خاستگاه	مزرعه و ودستاک	پدیدارشناسی حس مکان (زمینه گرایی)
معماران ICI	درهم تنیدگی معماری با زمینه، پیوند ناگسستنی با مکان و زمان، معماری حواس، توجه به موضوعات اجتماعی	مهد کودک در اسپانیا تئاتر عمومی اسپانیا	ادراکات حسی
یوها لیسوگا ۱۹۳۳-...	مسئولیت اجتماعی، گفتگو با بستر، بازی نور و سایه، سبکی فضا، حرکت و تسلسل فضایی، مسئولیت اجتماعی	کلیسای میرماکی در فنلاند	پدیدارشناسی اتمسفر
آوار آنتو ۱۹۷۶-۱۸۹۸	معماری ظریف، معماری تکنونیک، ادامه سنت معماری با رویکرد معاصر معماری لامسه، تعامل با محیط اطراف	تالار شهر سینتسالو پاویون فنلاند در آکسبو	ادراکات حسی
فرانسیس کخه ۱۹۶۵-...	معماری خاک، احیاء سنت معماری بومی آفریقا، مشارکت اجتماعی، مسئولیت ساخت آینده ای پایدار برای نسل های آینده	مدرسه گاندو پاویون سرپنتین لندن	پدیدارشناسی حس مکان (زمینه گرایی)
بالکریشنادوشی ۱۹۲۷-...	کاربست آموزه های معماری مدرن در تعامل با ارزش معماری سنتی هند، جستجوی متافیزیکی در معماری	انستیتو هنرشناسی مسکن ناهمستان هند	پدیدارشناسی حس مکان (زمینه گرایی)

جدول ۳: استراتژی معماران معاصر مرتبط با پدیدارشناسی در ارتباط با موضوع مکان. منبع: یافته های پژوهش

سؤالات مصاحبه بررسی نحوه فهم تجربه معماری مخاطبان شامل ۵ پرسش بوده است: ۱- چه چیزی را در این مکان دوست دارید و چرا؟ ۲- اگر بخواهید موزه را برای کسی که تازه حال آن را ندیده توصیف کنید چه می گوید؟ ۳- چه چیزی در این مکان توجه شما را جلب کرده است و چرا؟ ۴- بهترین بخش این مکان برای شما کجاست؟ ۵- موزه هنرهای معاصر برای شما چه معنایی دارد و چه حسی را در شما برمی انگیزاند؟ هر پنج سؤال دارای ماهیت

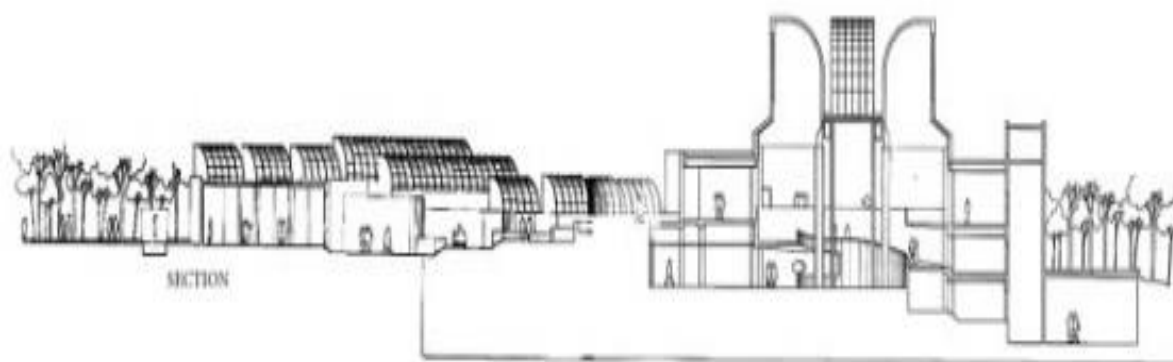
نیمه ساختاریافته بودند. در این قسمت مؤلفه‌های موردبررسی در راستای تطبیق مطالعات نظری و مشاهدات با نمونه موردبررسی معرفی شدند. در راستای استنتاج و دستیابی به مؤلفه‌های اصلی تحقیق، پس از جمع‌آوری اطلاعات در چارچوب نظری پژوهش، ابتدا به روش کدگذاری باز، داده‌ها به‌صورت آزادانه به بخش‌های مجزا تفکیک شدند تا شباهت‌ها و تفاوت‌های آن‌ها مشخص شود. سپس در مرحله کدگذاری محوری، کدهای باز در ترکیبی جدید بر پایه شباهت‌ها و تفاوت‌ها و در نظر داشتن شرایط و زمینه بروز کدها به هم متصل و مرتبط می‌شوند و درنهایت کدها بر اساس موضوع اصلی پژوهش و بیان ابعاد خاص ادراکی و از منظر ذهنی، اجتماعی و فرهنگی مخاطبان خلاصه‌شده و به‌صورت کدهای نهایی معرفی می‌شوند. (جدول ۴) نتایج حاصل در راستای بررسی ابعاد معنایی و هویت خاص مجموعه، نشان از تعامل و ارتباط غنی و ویژگی‌های مکانی موزه با برداشت‌های ذهنی مخاطبان و تأثیرگذار بر رفتار آنان در تجربه فضایی و تمایل آنان به شناخت و ادراک حسی غنی از فضا و درک هماهنگی مجموعه با زمینه قرارگیری خود و کیفیت فعالیت‌ها دارد. به دلیل انطباق تئوری‌های به‌دست‌آمده با نمونه موردبررسی، توضیحاتی بر مبنای برداشت‌ها، مشاهدات و ثبت رفتار مخاطبان و وقایع بااهمیت در موزه موردبررسی در جدول ۴ آورده شده است که درنهایت در تطبیق با کدهای نهایی به‌دست‌آمده، مؤلفه‌های معنا بخش موزه در راستای ابعاد مفهومی و کالبدی فضا و جنبه‌های ذهنی، اجتماعی و فرهنگی کاربران جهت خوانش فهم تجربه معماری معرفی شده‌اند.



تصویر یک و دو: موقعیت موزه و باغ مجسمه در پلان و تحلیل پلان مجموعه. منبع: سایت موزه هنرهای معاصر



تصویر سه: حیاط موزه مأخذ: سایت معماری معاصر ایران تصویر چهار شیب‌راهه در فضای داخلی منبع: سایت معماری معاصر ایران



تصویر پنج: مقطع طولی موزه
منبع: سایت معماری معاصر ایران

یافته‌ها

موزه هنرهای معاصر به جهت تعامل میان ویژگی‌های کالبدی و باطن خود تأثیرات مهمی در جهت تقویت ایجاد تصاویر ذهنی غنی در تجربه معماری مخاطب داشته است. طبق فرضیه پژوهش، پدیدارشناسی معماری که به نگرستن به معماری از درون تجربه آگاهانه و جایگاه حضور وجودی انسان در جهان اهمیت ویژه‌ای می‌دهد، می‌تواند از طریق دریافت‌های حسی و تبدیل آن در فرایندهای پردازش ذهنی و بازنمایی، تجربه وجودی و حس بودن در جهان را تقویت می‌کند و در نهایت منجر به تجربه‌های معناگرایانه غنی به‌واسطه مواجهه با مکان و خلق اتمسفرهای غنی می‌گردد. بر اساس یافته‌های تحقیق کیفیت ادراک مکان در تجربه معماری بازدیدکنندگان در سه سطح صورت می‌گیرد: نخست آن‌که از طریق ادراک انسان در مکان، احساسات شخصی او آشکار می‌شود و تجربیات معناداری را در او برانگیخته می‌کند؛ دوم اینکه ادراک فرد ایده‌هایی را فراهم می‌کند که منجر به هدایت فعالیت‌های جسمانی و سپس احساسی می‌شود و سوم، رویکرد طراحی‌ای است که بر پایه تجربیات زیسته هست که به‌عنوان رفتار، تجربه و معنا تفسیر می‌شود. یافته‌های تحقیق و بررسی فرضیه پژوهش در نمونه مورد مطالعه در جدول ۵ ارائه شده است. بر طبق این جدول که بر اساس کدهای گزینشی و روش پدیدارشناسانه هرمنوتیک در راستای انطباق با ویژگی‌های نمونه مورد مطالعه صورت گرفته است می‌توان چنین عنوان کرد که خوانش تجربه مکان توسط مخاطبان موزه در نگرش پدیدارشناسانه، در گروه توجه و اهمیت به خصوصیات کالبدی، عملکردی و معنایی موزه و همچنین خاستگاه ذهنی و مفهومی معمار در راستای ایجاد این‌همانی با فضا است که با تجربه مخاطبان و کیفیت ادراک آنان و مؤلفه‌های اجتماعی و فرهنگی پیوند یافته است. مدل نهایی به‌دست آمده از تحقیق در جدول ۶ از بررسی فرضیه‌ها و سؤالات تحقیق و مبانی نظری پدیدارشناسی و روابط بین متغیرها در سه سطح الف: مفهوم که شامل بازخوانی ادبیات فلسفه پدیدارشناسی بود ب: ابعاد که شامل تعیین حوزه نفوذ پدیدارشناسی و تأثیرگذاری آن در میان معماران معاصر پدیدارشناس بود ج: شاخص‌ها که شامل مؤلفه‌هایی است که از طریق تطبیق تحلیلی دیدگاه‌های بازدیدکنندگان موزه در فرایند فهم پدیدار شناختی مکان استنتاج شده است تا بر اساس نتایج برآمده از این مدل بتوان به مؤلفه‌هایی که در فرایند فهم تجربه معماری یک اثر معماری به‌مثابه روایت مکان دریافت. در این

مدل با تحلیل آثار معماران پدیدارشناسی، دسته‌بندی‌هایی شامل پدیدارشناسی (هرمنوتیک، استعلایی، خیال و ادراک) به‌عنوان اصول بنیادین، استخراج‌شده و در سطح دوم تأثیر آن‌ها بر اندیشه معماران درج‌شده است و در انتها مؤلفه‌های فهم تجربه معماری آثار توسط مخاطبان در قالب سیزده موضوع تولیدشده است با استفاده از این مؤلفه‌ها می‌توان روایتی از سرگذشت مکان در آثار این معماران را درک نمود و آن را در آثار سایر معماران مرتبط با پدیدارشناسی به کار بست.

جدول ۴: مدل مفهومی پژوهش، شاخص‌های بررسی نمونه موردی در تطبیق مطالعات نظری و مشاهدات میدانی

کد نهایی	کد گذاری محوری	کد گذاری باز	گزاره های به دست آمده از مصاحبه ها
ماده و لامسه خیال ماده	ادراک حسی غنی	تجربه مبتنی بر حواس تجربه روزمره	سردی و گرمی فضا در قسمت های مختلف موزه/ استفاده از مصالح، با کیفیت حسی مختلف: چوب گرم/ بتن سرد/ آجر گرم/ سنگ سرد
احساس از تاریخ خاطره و تخیل	تجربه نوستالژیک در بستر فرهنگی	اهمیت خاطره، گفتگوی خاطره با مکان	نوستالژیک بودن فضا/ یادآوری معماری گذشته شاعرانگی فضا/ درگیری ذهن با کالبد فضایی موزه /حس ساختمان های کویری
حضور (مواجهه) حرکت در فضا	تأمین نیازهای مخاطب	تعلق و وابستگی، درک بدنمند فضا	حس حرکت بدون اراده/ کنجکاوی/ تحت تأثیر فضا بودن/ مسخ شدن در فضا/ دسترسی راحت- فضای سرزنده
فضای زمان (زمانمندی)	اهمیت رفتار کاربر در مواجهه با مکان (تأثیر مکان بر رفتار مخاطب)	عادت های ذهنی، کنجکاوی	پویایی فضا/ درنگ، حرکت، ایست، نشستن، دیدن، لمس کردن)
معماری سکوت نور و سایه	اهمیت آگاهی فرد از فضا	دیدار آشنا اصالت معماری- بیان باز تولید- حس نوستالژیک در ادراک فضا	حس آرامش بخش/ سکوت دل انگیز با صدای محیط اطراف/ مرموز بودن و راز الود بودن فضا/ سایه روشن های نور طبیعی بر روی دیوارها/ فضای مکتب/ تاریک و روشن شدن در سکانس های فضایی/ سایه و نیم سایه
هندسه و مقیاس	معنادار بودن به واسطه نشانه ها	رابطه عاطفی با مکان، حفظ بصری	وسعت و تنگی فضاهای مختلف/ ارتفاع کم از بیرون و ارتفاع بلند در قسمت مرکزی ساختمان/ هندسه ناب/ چرخش ۴۵ درجه
دیالکتیک درون و بیرون	ارتباط مخاطب با مکان و فضا	سیالیت فضا، کشف و شهود	دیوارهای صلب و شیشه ای/ دید از درون به فضای سبز محوطه/ رعایت سلسله مراتب فضایی از بیرون به درون/ فضای داخل به مشابه یک دنیای مجزا
محیط پیرامون	تعاملات اجتماعی خاطره انگیزی	اتمسفر فضا فضای رویداد	المان ها و مجسمه های محوطه و حس لمس کردن/ ارتباط موزون با پارک و زمینه اطراف/ تمایل به ارتباط اجتماعی
جزئیات معماری	اصالت معماری، مکان مندی تجربه حسی	ادراک حسی غنی	جزئیات خاص کف و سقف و دیوار/ جزئیات ابزارهای نور پردازی/ فضا، فاقد عناصر اضافه که چشم و ذهن را درگیر کند/ یادگیر- حوض فضای مرکزی

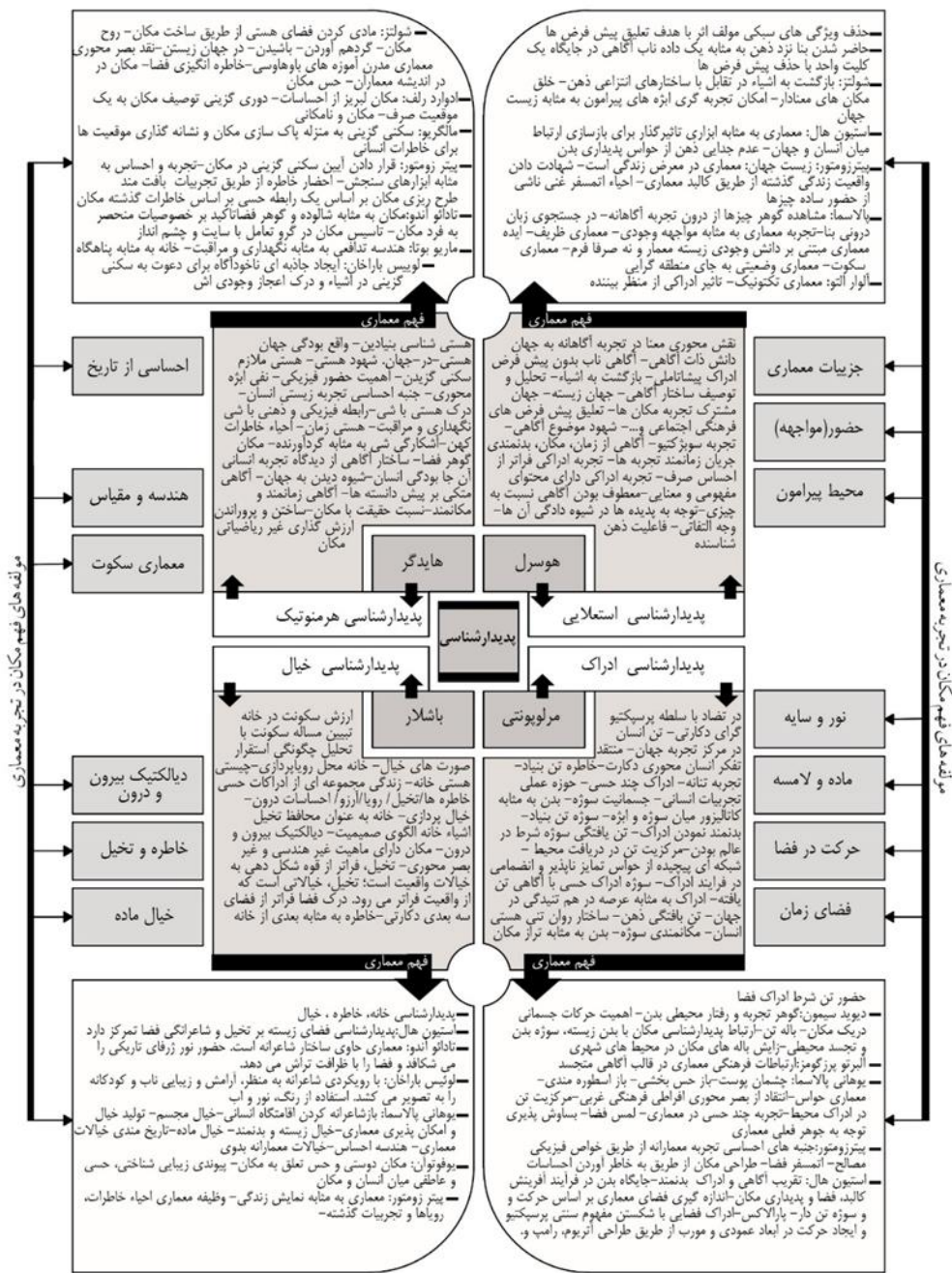
منبع: یافته‌های پژوهش

جدول ۵: بررسی مولفه‌های رویکرد پژوهش در موزه هنرهای معاصر

تصاویر	مصادیق در نمونه موردی	مولفه
	<ul style="list-style-type: none"> • استخراج تصاویر شاعرانه با عناصر کالبدی • ترکیب متفاوت مصالح • معماری احساس لامسه و پیوستگی زمانی • ماده، بیانگر زمان و ایجاد خاطره • تجربه فضایی غنی به واسطه حواس پنجگانه در کاربرد خاص مصالح 	<ul style="list-style-type: none"> • ماده و لامسه
	<ul style="list-style-type: none"> • موزه زمان در تجربه زیسته • سکانس های مختلف فضایی • تجلی عمق زمان تاریخی و فرهنگی در موزه • کندی زمان (درنگ)، قوت حافظه (کهن وارگی) • شدت زمان (حرکت) معماری مینی مالیسم مدرنیسم 	<ul style="list-style-type: none"> • فضای زمان • زمانمندی
	<ul style="list-style-type: none"> • تجربه نوستالژیک خاطره مکان • موزه به مثابه نمایش تاریخی تجربه زیسته • تاریخ به مثابه شاخصی از کالبد و بستر موزه • کهن وارگی تجربه سوترکتیو در خاطرات مشترک یک جامعه • تاریخ نامرئی مکان • ذخیره خاطرات بستر در مکان ها و چشم اندازها 	<ul style="list-style-type: none"> • احساسی از تاریخ
	<ul style="list-style-type: none"> • آگاهی ذهنی و حسی از فضای داخلی • نشستن شدن ساختن بر بستر زمین • حضور خاموش اما پر قدرت پیکره موزه • تبدیل سکوت به ماده 	<ul style="list-style-type: none"> • معماری سکوت
	<ul style="list-style-type: none"> • مرکزیت تنانگی در ادراک حرکت مند • ادراک فضایی درگرو شکستن پرسپکتیو • حرکت در ابعاد عمومی و مورب و نقص (فضای مرکزی - شیب راهه- پله) • اضافه کردن بعد زمان به فضا 	<ul style="list-style-type: none"> • حرکت در فضا
	<ul style="list-style-type: none"> • ادغام ادراک حافظه و تخیل در فرایندی بدنی • قابلیت شهود و احساس بدنمند • یکی شدن با فضا • درگیر شدن با اتمسفر فضای داخلی موزه • قابلیت مجموعه در همراه ساختن و جهت دهی رفتار مخاطبان بر اساس مفاهیم کالبدی ویژه خود 	<ul style="list-style-type: none"> • حضور (مواجهه)
	<ul style="list-style-type: none"> • ادراک محیطی ناخود آگاه و غیر تمرکز • آزاد شدن چشم از ثبات پرسپکتیو • حس تداوم و حرکت • تعاملات اجتماعی - رویدادها • برخورد ها ملاقات های دوستانه 	<ul style="list-style-type: none"> • محیط پیرامون

تصاویر	مصادیق در نمونه موردی	مولفه
	<ul style="list-style-type: none"> • لطیف کردن نمایش مادی فضا • خلق نقاط مهم و کانونی • ایجاد مادیت فضایی • تقویت حس مکان و صمیمیت • تجربه تمرکز و مدیتیشن • تعریف سلسله مراتب حرکتی و جهت دهی به مسیر نگاه مخاطبان به واسطه نورهای طبیعی و مصنوعی 	نور و سایه
	<ul style="list-style-type: none"> • ادراک از نسبت های ظریف ریاضیات کل • تاکید بر پیکره انسان به عنوان جایگاه تجربه معماری انسانی (بنابر دیدگاه طراح موزه) • تشخیص بدن در فرایند ادراک معماری 	هندسه و مقیاس
	<ul style="list-style-type: none"> • ترکیب معمارانه پیش زمینه و میان زمینه و چشم انداز اطراف • تبادل نامحسوس بیرون و درون • فضای سکوت در برابر فضای جنبشی • زمانمندی و مکانمندی تعامل درون و بیرون • تمایل به ماندن در فضا و سپری کردن مدت زمان طولانی 	د یا لکته یک بیرون و درون
	<ul style="list-style-type: none"> • حضور قدرتمند اجزای مادی در شکل گیری اتمسفر • تجربه های عمیق تر نسبت به تحلیل فرم • ماده به مثابه زاینده های تخیل • شغف حرارتی برآمده از لمس ماده • تفاوت جنس مصالح و درک محیط 	خیال ماده
	<ul style="list-style-type: none"> • تجربه ژرف از فضا و زمان • تخیل بسترهای فضایی در تجربه به زیسته • احیاء تصاویر تاریخی گذشته در ذهن مخاطبان • یادآوری معماری گذشته ایران • مطرح شدن موزه به عنوان یک نشانه شهری • وجه تحریک کننده یا خنثی کننده عواطف و احساسات 	خاطره و تخیل
	<ul style="list-style-type: none"> • قلمرو لمسی - معماری هاپتیک • تعامل جزئیات با نور و سایه • شدت تخیل و خاطره از طریق لمس جزئیات • جزئیات معماری به مثابه چشم ساختمان 	جزئیات معماری

جدول ۶: مدل نهایی تحقیق



منبع: یافته‌های پژوهش

نتیجه‌گیری

گسترده‌گی و تنوع مفاهیم پدیدارشناسی در ادبیات معماری و در نهایت در حوزه عملی، منجر به ایجاد نتایج مختلفی گردیده است که معماران، دیدگاه‌های خود را در باب ادراک مکان و فضا به طرق مختلف بیان نموده‌اند. تفاوت قرائت پدیدارشناسان نشان می‌دهد که چگونه هر یک برحسب اهداف و دغدغه‌های خاص خود، تلقی متمایزی از قابلیت‌ها و اهداف پدیدارشناسی دارند. روش تحلیل کدگذاری باز، محوری و نهایی و اشتراک‌گذاری با ادبیات تطبیقی معماری و فلسفه پدیدارشناسی و همچنین رویکرد پدیدارشناسی تحقیق در تطبیق با مشاهدات و رفتارهای

مخاطبان موزه هنرهای معاصر و مولفه‌های استنتاج شده از فهم تجربه معماری آن که شامل (دیالکتیک بیرون و درون، هندسه و مقیاس، استمرار زمان، احساسی از تاریخ، خاطره و تخیل، خیال ماده، جزییات معماری، حضور و مواجهه، محیط پیرامون، نور و سایه، ماده و لامسه، حرکت در فضا و فضای زمان) است را می‌توان در سایر پروژه‌های مشابه بررسی و تعمیم داد تا دلالت‌های ذهنی، فرهنگی و اجتماعی معمار و مخاطب، هم‌راستا با تجارب حسی معنادار و غنی از کالبد بنا در روایت بخشیدن به مفهوم مکان نقشی تأثیرگذار را ایفا کنند.

منابع

- ابراهیمی اصل، حسن، پناهی، سیامک، فروتن، منوچهر (۱۳۹۶) شناخت مؤلفه پارالاکس و ریشه‌یابی آن در فلسفه طراحی استیون‌هال، مجله علمی پژوهشی باغ نظر، سال چهاردهم، شماره ۵۰
- ابل، کریس (۱۳۸۷) معماری و هویت، ترجمه فرح حبیب، انتشارات دانشگاه آزاد (علوم و تحقیقات)، تهران
- احمدی، بابک (۱۳۸۷) مدرنیته و اندیشه انتقادی، تهران، نشر مرکز
- اسمیت، دیوید وودراف (۱۳۹۳) پدیدارشناسی، ترجمه مسعود علیا، تهران، انتشارات ققنوس، چاپ دوم
- الکساندر، کریستوفر (۱۳۹۳) معماری و راز جاودانگی، ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران
- آندو، تادائو (۱۳۹۵) شعر فضا ترجمه محمدرضا شیرازی، تهران، انتشارات فکرنو
- اینگ، ورونیکا (۱۳۹۴) بازنگری نقادانه‌ای بر سرشت پیچیده مکان ترجمه ویدا نوروزی برازجانی، تهران، ماهنامه اطلاعات حکمت و معرفت، سال دهم، شماره ۱۱۲
- باشلار، گاستون (۱۳۹۲) بوطیقا فضا، ترجمه مریم کمالی، محمد شیربچه، تهران، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان
- پالاسما، یوهانی (۱۳۹۳) هندسه احساس، ترجمه محمد امین شریفیان، تهران، ماهنامه کتاب ماه هنر، شماره ۱۸۹
- پالاسما، یوهانی (۱۳۹۲) دست متفکر، حکمت وجود متجسد در معماری، ترجمه علی اکبری، تهران، انتشارات پرهام
- پرزگومز، آلبرتو (۱۳۹۷) تاملات بهنگام، ترجمه رضا عسگری و...، تهران، نشر معمار
- پورعلی، مصطفی (۱۳۹۰) جایگاه پدیدارشناسی در معماری، تهران، فصلنامه علمی-پژوهشی صفا، سال بیست و یکم، شماره ۵۲
- پورمند، حسنعلی، فلاح، حسین (۱۳۹۲) پدیدارشناسی مکان بازخوانی هویت مکانی بافت تاریخی، تهران، نشریه کتاب ماه هنر، شماره ۱۸۸
- پرایس، جون (۱۳۹۱) فهم فلسفه اندیشه معاصر، ترجمه رضا علیزاده، جلد سوم، تهران، انتشارات روزنه
- چراغی، عاطفه (۱۳۹۶) واکاوی مفهوم مسکن شاعرانه با به کارگیری مولفه‌های معنا در معماری و پدیدارشناسی مکان و بررسی زیر ساخت‌های آن‌ها در چندی از آثار معماران معاصر، دومین کنفرانس بین المللی مهندسی عمران، معماری و مدیریت بحران، تهران.
- رلف، ادوارد (۱۳۹۷) مکان و بی مکانی، ترجمه محمدرضا نقصان محمدی و همکاران، انتشارات آرمانشهر، تهران
- زومتور، پیتر (۱۳۹۴) رهیافت پدیدارشناسی در اندیشه زومتور، ترجمه مرتضی نیک فطرت و سیده صدیقه میرگذار لنگرودی، انتشارات علم معمار، تهران
- سیاوشی، لیلا (۱۳۹۵) طرح علم زیست جهان در اندیشه متاخر هوسرل، مجله پژوهش‌های فلسفی بهار و تابستان، ویژه نامه پدیدارشناسی
- شار، آدام (۱۳۹۷) هایدگر برای معماران، ترجمه مرتضی نیک فطرت، تهران، انتشارات فکر نو
- شیرازی، محمدرضا (۱۳۹۲) جایگاه پدیدارشناسی در تحلیل معماری و محیط، تهران، فصلنامه علمی پژوهشی آرمانشهر، دوره ششم، شماره ۱۱
- صافیان، محمد جواد (۱۳۹۴) ساختن و سکنی گزیدن، جزء جدانشدنی هستی آدمی، تهران، مجله اطلاعات حکمت و معرفت، سال دهم، شماره ۱۱۲

- صیاد، امیرحسین، غریب پور، افرا، دلشاد سیاهکلی، مهسا (۱۳۹۸) فضا‌مندی و بدن آگاهی: بازخوانش مفهوم فضا در تجربه معماری، نشریه علمی پژوهشی باغ نظر، شماره ۱۶، شهریور ۱۳۹۸
- فلامکی، محمد منصور (۱۳۹۳) ریشه‌ها و گرایش‌های نظری معماری، انتشارات فضا، تهران، چاپ پنجم
- کاپلستون، فردریک چارلز (۱۳۸۷) تاریخ فلسفه، جلد نهم، ترجمه عبدالحسین آذرنگ و سید محمود یوسف ثانی، چاپ چهارم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی
- گالزه، ویتوروی، آلساندرو گاتارا (۱۳۹۶) شبیه سازی مجسم، زیبایی شناسی و معماری: رویکرد زیبایی شناختی تجربی برگرفته از کتاب ذهن در معماری، علم اعصاب، تجسم و آینده طراحی، ترجمه رضا امیر رحیمی، نشر معمار
- گروت، لیندا و وانگ، دیوید (۱۳۸۶) روش‌های تحقیق در معماری، ترجمه علیرضا عینی فر، انتشارات دانشگاه تهران
- مروجی، نرگس (۱۳۸۵) لوئیز باراخان از زبان کارلوی خیمنز، مجله ابادی، شماره ۵۱، تهران، صفحه ۸۲
- مصطفوی، شمس الملوک (۱۳۹۴) جنبش پدیدارشناسی، نشریه اطلاعات حکمت و معرفت، سال دهم، شماره ۱۱۲
- نسبیت، کیت (۱۳۸۷) نظریه‌های پسامدرن در معماری؛ ترجمه محمد رضا شیرازی، تهران، نشر نی
- نوربرگ شولتز، کریستین (۱۳۹۱) معماری: حضور، زبان و مکان، ترجمه علیرضا سید احمدیان، نشر نیلوفر، تهران
- نوربرگ شولتز، کریستین (۱۳۸۸) روح مکان، پدیدارشناسی معماری، ترجمه محمد رضا شیرازی، انتشارات رخ دادنو
- نوروزی برازجانی، ویدا و جوادی، محمدرضا (۱۳۹۵) بازیابی سازمان فضایی باغ شهر صفوی قزوین از منظر پدیدارشناسی هرمنوتیک، تهران، یادآوران.
- هال، استیون، بالاسما، یوهانی، پرزگومز، آلبرتو (۱۳۹۴) پرسش‌های ادراک، پدیدارشناسی معماری، ترجمه مرتضی نیک فطرت و همکاران، تهران، انتشارات فکرنو
- یوفتواین (۱۳۹۶) فضا و مکان، ترجمه رسول و محسن سلیمانی، تهران، انتشارات پرهام نقش
- Casy, Edward S. (2009) Getting Back into Place, 2 nd edition, Bloomington, IN; Indiana University Press
- Merleau-Ponty, M. (1962). Phenomenology of Perception, New York: Routledge
- Moran, D. & Mooney, T (2002) The Phenomenology Reader, London, New York, routledge .
- Moran, Dermot (2005) Edmund Husserl: Founder of Phenomenology, Cambridge, UK: Polity .
- Mooran Dermot (2011) Edmond Husserl s Phenomenology of Habituality and Habitus. Journal of the British Society for Phenomenology, 42 (1), 53-77
- Moran, D. & Mooney, T (2002) The Phenomenology Reader, London, New York, routledge .
- Mugerauer, Robert (2008) Heidegger and Homecoming, Toronto: University of Toronto Press
- Otero-Pilos, Jorge (2012) Architectural Phenomenology and the Rise of the Postmodern, in C. Greig Crysler, Stephen Cairns, and Hilde Heynen (eds) The SAGE Handbook of Architectural Theory, London: Sage, pp. 136-151
- Rainer, S. & Embree, I (2010) Handbook of Phenomenological Aesthetics, Springer Dordrecht Heidelberg London
- Seamon, David (2013), Lived Bodies, Place and Phenomenology, Journal of Human Rights and the Environment 4: 143-166
- Seamon, D. (2002). Phenomenology, Place, Environment and Architecture: A Review of the Literature (internet), Available from: http://www.arch.ksu.edu/seamon/articles/2000_phenomenology_review.htm
- Spiegelberg, H. (1982). The Phenomenological Movement, London: Martinus Nijhoff .
- Van Manen, M, (2014), Phenomenology of Practice: Meaning-Giving Methods in Phenomenological Research and Writing, California: Walnut Creek
- Von Eckartsberg, R. (1998b). Existential Phenomenological Research In R. Valle (Ed.), Phenomenological Inquiry in Psychology. New York: plenum .